



حوادث

خاطره

خاطره بازپرس محمدحسین زارعی مادرمان را قصاص کنید



بازپرس محمدحسین زارعی

زن جوان با همدستی مردان فامیل شوهر خود را به قتل رساند و رسیدگی به این پرونده یکی از خاطرات کاری بازپرس جنایی شد. به گزارش «ایران»، دکتر محمدحسین زارعی بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران است و در طول سال های کاری خود به عنوان بازپرس جنایی به پرونده های قتل زیادی رسیدگی کرده است.

یکی از مهم ترین اقدامات این بازپرس جنایی، تعیین مقرراتی برای کسبه بازار گل محلاتی جهت جلوگیری از فجایع احتمالی این بازار بود، که بعد از یک انفجار مرگبار در بازار گل صورت گرفت.

رسیدگی به یک پرونده همسرکشی یکی دیگر از پرونده های مهمی بود که محمدحسین زارعی رسیدگی کرد و یکی از خاطرات مهم کاری او محسوب می شود که بازپرس جنایی در شرح این خاطره می گوید: «اواخر آذر ماه سال ۱۴۰۰ بود که زنی کم شدن برادرش را به مأموران پلیس اعلام کرد و گفت از دیشب خبری از برادرم ندارم اما همسایه هایشان می گویند که شب گذشته سروصدای درگیری او و همسرش را شنیده اند. وقتی این خبر اعلام شد تحقیقات برای پیدا شدن ردی از برادر این زن آغاز شد و اولین کسی که تحت تحقیقات قرار گرفت همسر این مرد بود. وقتی زن جوان در برابر مأموران قرار گرفت گفته بود که عده ای ناشناس به خانه شان وارد شده و شوهرش را ربوده اند. ادعا می کرد که از ترس چیزی به پلیس نگفته بود اما همسایه هایشان در تحقیقات گفتند که شب گذشته وقتی سروصدای درگیری از خانه آنها را شنیدند، زن جوان در را باز کرده و گفته که موضوع خانوادگی است. برای همین به این زن مظنون شدیم که در تحقیقات بعدی گفت همسرم دست بزن داشت و من را کتک می زد. چند وقت قبیل به برادرم گفتم خیلی دلم می خواهد بلایی سر شوهرم بیاورم تا درسی برای او بشود و درد کتک های این را که به من می زند خودش هم بچشد. هر مرحله که از تحقیقات می گذشت ظن ما به این زن بیشتر می شد تا اینکه بالاخره لب باز کرد و به قتل همسرش با همدستی مردان فامیل اقرار کرد. او با همسرش اختلافات مالی داشت. همسرش خانه را به نامش زده بود اما این زن ادعا می کرد که شوهرش می خواهد خانه را به نام خودش برگرداند، حتی در پیامک هایی که به یکی از همدمستانش زده بود هم نوشته بود که امروز قرار است شوهرم به محضرخانه برود و کار را تمام کند و از او خواسته بود در اجرای نقشه قتل عجله کنند. همدستان این زن که برادر، پسردایی و یکی از دوستان آنها بودند دستگیر شدند و مشخص شد که شب حادثه این زن با چوب بیس بال ضربه ای به سر همسر خود زده بود و زمانی که او به حالت گیجی افتاد، مردان فامیل وارد خانه شان شده و همسرش را به قتل رسانده اند. این افراد سپس جسد را فرش پیچ کرده و به چاهی واقع در یک باغ در شهریار منتقل کردند که بعد از دستگیری شان جسد مقتول هم کشف شد. نکته ای که این پرونده دارد این است که در زمان وقوع جنایت در خانه این زن واقع در خیابان پیروزی تهران، دو فرزند صغیر دختر و پسر در خانه بودند که مادرشان آنها را در اتاق حبس کرده بود. در واقع پدر در خانه ای قربانی نقشه جنایت شد که فرزندانش در همان خانه حضور داشتند.»

پرونده جسدی لای فرش

پرونده های پشت سرهم روی ذهن بازپرس، وکلا و خبرنگاران جنایی تلنبار می شود. به خاطر سپردن اسامی شاکی و متهمان در این پرونده ها محال است و به خاطر سپردن شماره پرونده های محال تر! شاخه ای در هر پرونده وجود دارد که با اشاره به آن سیرت پایز ماجرا به یاد همه می افتد: قتل پیرزنی که پسر معلول داشت؛ قتل برادر پزشک در خیابان فرشته، قتل مرد رهگذر، به دست شاگرد قتادی و... اما آنچه پرونده قتل شوهر این زن را شاخص می کرد نحوه انتقال جسد بود: قتل شوهر و فرش پیچ کردن جسدش! ماجرا از ضد و نقیض گویی های زن جوانی آغاز شد که از ابتدا می شد حدس زد کاسه ای زیر نیم کاسه دارد! داستان های زیادی سرهم کرد. از کتک هایی که می خورد حرف زد و ورود مردان نقاب پوش ناشناس به خانه اش اما در نهایت مشخص شد که سناریوی قتل را خودش کشیده بوده، یکی از اقدامات تحقیقاتی در این پرونده بازبینی دوربین های مدار بسته موجود در اطراف منزل این مرد بود و اقدام بعدی تحقیق از همسایه ها. همسایه ها می گفتند که سروصدای دعوا و درگیری شدید در خانه شنیده بودند و بعد هم دیده بودند که چند مرد از خانه زن جوان و شوهرش یک شیء سنگین را به طرز مشکوکی لای فرش پیچیده و در یک پراید گذاشتند.

بازبینی دوربین های مدار بسته تصاویر تکان دهنده ای به دست می داد. مردان فامیل جسد مقتول را فرش پیچ کرده و از خانه خودش خارج کردند و داخل یک خودروی پراید گذاشتند، بعد هم به یک باغ در شهریار منتقل کرده و در چاه انداختند.

بعد از دستگیری همدستان زن جوان، پسردایی او به نام پویا که ۲۵ سال دارد به قتل اعتراف کرد و گفت: «دخترعمه ام وعده پرداخت مبلغ قابل توجهی پول به ما داده بود. او زن پولداری بود. از قبل نقشه قتل شوهرش را کشیده بود و شب حادثه بعد از اینکه با چوب بیس بال بر سر شوهرش زد و او گیج شد؛ در را باز کرد و ما وارد خانه اش شدیم. شوهرش کمی مقاومت کرد اما من با چاقویی که در دست داشتم گلوی او را بریدم و بعد به همراه دوستم و پسرعمه ام، جسد را به شهریار بردیم.»

تقاضای قصاص مادر و بقیه متهمان

با طی روال قانونی پرونده، پویا هفته گذشته برای اخذ آخرین دفاع به شعبه اول دادسرای جنایی تهران آمد. او این بار همه اعترافات گذشته اش را در حالی انکار کرد که دو فرزند مقتول تقاضای قصاص همه متهمان پرونده از جمله مادرشان را کرده اند و اعتقاد دارند همگی در قتل پدرشان مشارکت داشته اند. همچنین معاون اول قوه قضائیه از سوی فرزند صغیر مقتول از عامل جنایت تقاضای دیه مقتول را کرده است.

متهم در آخرین دفاع گفت: «دخترعمه ام به من وعده داده بود که اگر قتل شوهرش را گردن بگیرم رضایت فرزندانش را جلب می کند. من هم به دروغ به قتل اعتراف کردم در حالی که وقتی ما وارد خانه مقتول شدیم او به خاطر اصابت ضربه چوب بیس بال جان باخته بود.»

آخرین ادعای متهم به قتل در حالی بررسی می شود که پزشکی قانونی علت اصلی مرگ را ضربات چاقو به گلوی مقتول عنوان کرده است. به این ترتیب کیفرخواست پرونده بزودی صادر شده و شمارش معکوس برای محاکمه متهمان آغاز خواهد شد.



معرض آن قرار گرفته اید.

بازار زندگی

عدم بازاری به این اشاره دارد که چگونه رفتارهای اخلاقی بد یا پرخطرانه از طریق قرار گرفتن در معرض مکرر مثلاً در نمایش های تلویزیونی یا بازی های ویدیویی قابل قبول تری می شوند. به یک معنا، آنها تبدیل به یک هنجار می شوند و بازاری هایی که معمولاً در مورد رفتارهای پرخطرانه داریم، کمتر مشخص می شود. ما پرخطرانه تر رفتار می کنیم زیرا قابل قبول تر به نظر می رسد.

آغازگر شناختی

آغازگر شناختی به این اشاره دارد که چگونه تماشای اقدامات پرخطرانه در رسانه ها باعث ایجاد پرخطرانه در فرد می شود، زمانی که فرد چیزی مشابه را در زندگی واقعی تجربه می کند، زیرا اطلاعاتی که قبلاً در رسانه ها در معرض آن قرار گرفته بود در ذهن او ذخیره و تبدیل به یک خاطره می شود و به عنوان مرجعی برای رفتار استفاده می شوند که وقتی دوباره در معرض یک محرک مشابه قرار گرفت همان پاسخ را بدهد. بازی های رایانه ای می توانند از طریق حساسیت زدایی، بازاری و آغازگر شناختی، پرخطر را القا کنند. بر این اساس پس از یادگیری رفتارهای تهاجمی آنها بخشی از شخصیت پرخطر می شوند و می توان با آن پرخطر را پیش بینی کرد.

همچنین رفتار پرخطرانه از طریق مشاهده و تقلید آموخته می شود و به صورت مثبت یا منفی تقویت می شود. ایفای نقش شخصیت های مورد علاقه خود و مشاهده نحوه رفتار و واکنش تهاجمی آنها می تواند فرد را پرخطرتر کند. قهرمان زمانی پادشاه می گیرد که افراد بد را تنبیه کند. بازی های رایانه ای با پیشروی به سطح بعدی،

نازنین صدرا در ۲۰ سال اخیر

پیشرفت های تکنولوژیکی زیادی به خصوص در زمینه بازی های رایانه ای صورت گرفته است. می توانید در بازی حضور داشته باشید یا بازی شخص دیگری را تماشا کنید. می توان با گوشی های هوشمند بازی کامپیوتری انجام داد، بازی اکنون بیش از هر زمان دیگری در دسترس است.

خشن و رفتار پرخطرانه

با توجه به افزایش استفاده و در دسترس بودن بازی های رایانه ای، آیا در ایجاد خشونت و تجاوز سهم دارد؟ بسیاری از بازی های رایانه ای حاوی عناصری از خشونت هستند، چه مربوط به مبارزه با افراد بد باشد و چه مربوط به افراد خوب. هر کدام از آنها نوعی خشونت یا تهاجم را شامل می شوند. باید پرسید این بازی ها چگونه بر رشد و رفتار کودکانی که با بازی با آنها بزرگ می شوند تأثیر می گذارد؟ به طور خاص، ما می خواهیم بدانیم چگونه این بازی ها بر پرخطرانه تر شدن تأثیر می گذارد؟

تأثیر رسانه ها بر پرخطرانه تر شدن

بازی های رایانه ای مدت ها است در رفتارهای خشونت آمیز دخیل بوده است. در خصوص ابعاد روانی تأثیر بازی های رایانه ای در ایجاد رفتارهای خشونت آمیز در نوجوانان و گرایش آنان به جرم و جنایت به چند نکته باید توجه کرد.

حساسیت زدایی

حساسیت زدایی در روانشناسی به این موضوع اشاره دارد که قرار گرفتن در معرض مکرر چه چیزی مانند بازی های رایانه ای خشن، و اکشن ترسناک و مضطرب معمول به اقدامات تهاجمی یا خشونت آمیز را کاهش می دهد. ممکن است در این میان پسر دیگری به نام بهزاد که ترسناک باشد، اما اگر پزشک بودید، این تأثیر وجود ندارد زیرا به صورت مکرر در

معمولاً از طریق اقدامات تهاجمی،

به بازیکنان پاداش می دهند. تحقیقات نشان می دهد شرکت کنندگانی که بازی های رایانه ای خشونت آمیز انجام می دهند و سپس خشونت واقعی را تماشا می کنند، ضربان قلب و پاسخ های کمتری داشتند که نشان دهنده حساسیت زدایی به خشونت است.

اثرات منفی بازی های رایانه ای

خشونت آمیز بر پرخطرانه تر شدن رفتارهای پرخطرانه پرخطرانه پرخطرانه

مطالعات متعددی به اثرات روانشناختی بازی های رایانه ای، بویژه تأثیر آنها بر رفتارهای پرخطرانه پرداخته اند. قرار گرفتن مکرر در معرض رسانه های خشونت آمیز می تواند منجر به حساسیت زدایی، بازاری و آماده سازی شناختی شود که بر بسیاری از جنبه های زندگی تأثیر می گذارد. بویژه وقتی تأثیر بازی های رایانه ای بر رشد کودک در نظر گرفته شود.

محققان دریافتند دانش آموزان دبیرستانی که بیشتر بازی های رایانه ای انجام می دهند، نمرات پایین تری در کلاس دارند. همچنین کودکانی که بیشتر بازی های رایانه ای انجام می دهند در مدرسه عملکرد بدتری دارند.

تأثیرات روانشناختی بازی های رایانه ای

خشونت آمیز بر پرخطرانه تر شدن رفتار قرار گرفتن زود هنگام در معرض بازی های رایانه ای خشونت آمیز، منجر به مشکلات طولانی مدت می شود و احتمال ایجاد شخصیت تهاجمی را افزایش می دهد. به طور کلی، قرار گرفتن در معرض بازی های رایانه ای خشن و زمان صرف شده برای انجام آنها به طور مثبتی با ویژگی های خصومت آمیز، رفتار استدلالی و پرخطرانه فیزیکی مرتبط است. بازی های رایانه ای خشن با نمرات مدرسه ارتباط منفی دارد. نوجوانانی که بازی های

محاصره قاتل فراری در مخفیگاه امن

گفت و گو با قاتل

تصور نمی کرد در مخفیگاهش ردیابی شود: چند سال داری؟

۲۱سال

چرا دست به قتل زدی؟

ناخواسته بود، قصد کشتن نداشتم و اتفاقی رخ داد. درگیری شما بر سر چه بود؟

راستش را بخواهید فقط برای خود نمایی از زور بازو بود.

چرا چاقو کشی کردی؟

برای ترساندن هم چاقو به دست شدیم. بعد از قتل چرا خودت را معرفی نکردی؟

از ترس اعدام اگر از اعدام می ترسیدی چرا دست به چاقو کشی؟

من انگیزه کشتن در ذهن نداشتم در درگیری این ماجرا رخ داد....

بعد از فرار کجا رفتی؟

به شیراز رفتم و از این روستا به آن روستا در حال جابه جایی بودم.

الان که بازداشت شدی چه احساسی داری؟

بشدت پشیمانم و به خاطر اتفاقی که رخ داده خودم را نمی بخشم، در این ۴ ماه همه روز و شبم با کابوس همراه بود...

هماهنگی با بازپرس پرونده برای دستگیری متهم به فارس رفتند و بعد از حدود ۴ ماه پیگیری در نهایت بهزاد را در یک عملیات غافلگیرانه در فارس دستگیر کردند.

بهزاد که در طول مدت زندگی مخفیانه و دوری از خانواده دچار پریشانی و افسردگی شده بود پس از بازجویی به جنایتی که مرتکب شده بود اعتراف کرد.

بهزاد درباره انگیزه اش به کارآگاهان گفت: من هرگز انگیزه ای برای قتل نداشتم دعوی من با شروین و ۲ نفر دیگر به نام آرش و فرید صرفاً به خاطر نشان دادن قدرت خودمان بود. نمی دانم چه شد که الکی به جان هم افتادیم. من ناخواسته با چاقویی که داشتم ضربه ای به او زدم. خودم هم زخمی شده بودم و وقتی دیدم او روی زمین افتاد و پلیس به معرکه رسیده است از ترس پا به فرار گذاشتم.

او افزود: بعد از مدتی متوجه مرگ دوستم شدم و با کمک خانواده ام زندگی مخفیانه را شروع کردم و از این اتفاقی که رخ داده پشیمانم.

سرهنگ حکمت شجاعی درباره این پرونده به خبرنگار «ایران» گفت: متهم به خاطر قتل بازداشت شده و پس از پایان انجام مراحل بازپرسی به زندان منتقل خواهد شد.

معصومه مرادپور/ عامل قتل پسر جوانی در جسدال خیابانی پس از ۴ ماه زندگی مخفیانه با تلاش کارآگاهان جنایی البرز در یکی از روستاهای استان فارس دستگیر شد. به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از شامگاه خونین در یکی از محله های ساوجبلاغ شروع شد. بر اثر درگیری ۴ جوان که بر سر قدرت نمایی در محل به جان هم افتاده بودند، سرانجام قاتل از آنکه گشت پلیس به محل درگیری برسد ۳ نفر در اثر ضربه های چاقو زخمی شده بودند. خیلی زود هر ۳ پسر جوان به نزد یک ترین مرکز درمانی منتقل شدند در این میان پسر دیگری به نام بهزاد که در این درگیری مشارکت داشت از صحنه خونین متواری شد.

در حالی که تحقیقات اولیه درباره این درگیری درحال شروع بود یکی از مصدومان در اثر شدت جراحت وارده در بیمارستان به کام مرگ فرو رفت و با جنایی شدن پرونده تیمی از مأموران پلیس آگاهی به دستور بازپرس پرونده برای دستگیری متهم فراری وارد عمل شدند.

درحالی که کارآگاهان در تعقیب متهم فراری بودند سرانجام بعد از تحقیقات گسترده توانستند در بهزاد را در یکی از روستاهای دور افتاده استان فارس پیدا کنند و کارآگاهان با گرفتن دستور قضایی و

